

مهم ترین عوامل دین‌گریزی از منظر قرآن کریم

نیر عباس^۱

چکیده

با مطالعه و بررسی آیات و روایات مختلف ائمه معصومین و در باب جاهلیت اولی و ویژگی‌های آن و تطبیق آن بر جاهلیت، جاهلیت دوم (مدرن) این امر مسلم می‌گردد که تعصب و تبرج و خونریزی و پایمال کردن حقوق از ویژگی‌های مشترک این دو جاهلیت می‌باشد. بعد از روبرویی اسلام با مدرنیته و چالش‌های روبرو، جریان‌هایی در اسلام با شعار برگشت به سلف صالح ایجاد شده و با الهام‌گیری از بعضی از شخصیت‌های تاریخی طرفدار این دیدگاه به افراط‌گری و ظاهرگرایی رو آورده‌اند. و با شناخت سطحی و ظاهرگرانه خود به ترویج اسلام مورد نظر خود پرداخته و با عقلانیت و تأملات دینی به مقابله پرداخته‌اند. این نوع تفکر پیامدهای در پی خود داشته است که خشونت و تکفیری در مقابل دیگر مسلمانان از نمونه‌های این نوع دیدگاه می‌باشد. راه برون رفت از این مسئله تمسک به علم حقیقی که از طریق ائمه معصومین حاصل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جاهلیت اولی، جاهلیت مدرن، سلفیه، تکفیری، سطحی‌نگری

مقدمه

قرآن کریم برای دین‌گریزی عوامل متعددی را در آیه‌های مختلف به وضوح و اشارتاً ذکر کرده است. برزخی از آن عوامل که قرآن کریم آن را مطرح کرده است عبارتند از رهایی از قیود دین و شریعت، التباس حق به باطل، هواهای نفسانی، القائنات و وسوسه‌های شیطانی، گناه، جهل، غرور، تعصب و استکبار، عناد و لجاجت، دنیا پرستی، وابستگی به فرهنگ جاهلی، تقلید کورکورانه از گذشتگان، ترس از طاغوت‌ها و پیروی از مترفین و... این عوامل در قرآن کریم از عوامل انکار دین و انحراف از حق معرفی شده‌اند. این مقاله به انسان کمک می‌کند که با عامل‌های دین‌گریزی که قرآن کریم برای مردم بازگو کرده آشنا شده و از آن‌ها دوری کند. روش این مقاله روش تحقیقی توصیفی است.

مطالب اصلی

قبل از ورود به بحث اصلی مناسب است که اول کلمه‌های دین و دین‌گریزی را کمی توضیح داده شود تا مطلب در ذهن خواننده واضح شود. واژه دین‌گریزی از دو قسمت دین و گریز تشکیل شده است. از این رو شایسته است هر یک از این اجزا را جداگانه محل تامل قرار داده شود.

معنای لغوی دین

واژه «دین» در لغت به معنای گوناگون از جمله، جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آن‌ها آمده است. در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که از آن‌ها معنای جزا، شریعت و قانون، طاعت و بندگی استنباط می‌شود. (بیوک علیزاده، حیات تعلقی اسلام، صفحه ۶۶)

معنای اصطلاحی دین

اگرچه برای کلمه دین در اصطلاح دینداران یک تعریف کلی که جامع و مانع باشد وجود ندارد و فقط می‌شود گفت که دین یک اصطلاحی است که بین پیروان ادیان مختلف یک شباهت خانوادگی دارد. اما برای تفهیم عمومی کلمه دین که نزدیک‌ترین معنی اصطلاحی را افاده می‌کند این است که دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد. (عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، صفحه ۹۳)

اما در اینجا مراد از دین تنها دین اسلام است که توسط آخرین سفیر الهی محمد مصطفی ﷺ بر بشریت عرضه شده است. در اصطلاح علمای مسلمانان دین به مجموعه تعالیمی گفته می‌شود که از سوی خدا و توسط انسان‌هایی برگزیده برای بشر ارسال شده و مشتمل بر سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام است.

گریز

واژه‌ی گریز در لغت به معنای گریختن، فرار کردن و رهایی است. در مفهوم واژه گریز، دست کم سه موضوع اساسی لحاظ شده است: دور شدن و فاصله گرفتن نوعی مواجهه و آشنایی اولیه نوعی نفرت، دلزدگی و بدآیند. تا انسان با چیزی مواجه نشود و درکی از آن نداشته باشد، از آن فرار نمی‌کند. همچنین تا آن چیز، نوعی دلزدگی و انزجار در جان آدمی نیافریند و خاطر انسان را مکدر و آزرده نسازد، دلیلی برای گریز وجود ندارد. از این رو گریز به معنای دور شدن و فاصله گرفتن ناشی از احساس تنفر و دلزدگی پس از مواجهه است.

دین گریزی

بنابر این معنای دین گریزی اینست که انسان از مجموعه‌ای از عقائد، اخلاق، قوانین و مقرراتی بعد از مواجهه با آن احساس تنفر و دلزدگی کند و از آن متنفر شود و از آن دور شده فاصله بگیرد.

مهم ترین عوامل دین گریزی از منظر قرآن

همان طور که در مقدمه ذکر شده است که در قرآن کریم برای دین گریزی انسان عامل‌هایی ذکر شده‌اند که توضیح آن در ذیل مطرح می‌شود. امروز مشکلات و چالش‌های که جامعه مسلمان و غیر مسلمان دچار است ناشی از دین گریزی مردم است. به همین علت سراغ آیات قرآن رفته و عوامل دین گریزی استخراج کرده و مهم‌ترین آن در این مقاله توضیح داده شده است که عبارتند از:

۱. آزاد بودن از قیود

انسان از قیود رهایی می‌خواهد و می‌خواهد هر گونه دلش می‌خواهد زندگی کند. قرآن به این نکته اشاره کرده ارشاد می‌فرماید:

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» بلکه انسان می‌خواهد جلوی فسق و فجور انجام

دهد. (قیامت: ۵)

بعنوان مثال امروزه مهم‌ترین مسأله‌ای که در جامعه درپیش داریم مسأله کشف حجاب است. کشف حجاب برخلاف احکامات دین و ضد دین است که دین از آن منع می‌کند. اینجا یک سؤال مطرح می‌شود که آیا خانم‌هایی که می‌خواهند کشف حجاب کنند آیا این‌ها رفتند و تحقیق کردند و به این نتیجه رسیدند که بی‌حجابی معقول است و فائده‌اش بیشتر از حجاب داشتن است و حجاب برایشان ضرر دارد؟ نه! بلکه این‌ها می‌خواهند پرده‌های حجاب و عفت را بشکافند و قید و قیود را پاره کنند. یکی از عوامل انکار قیامت و معاد همین فرار و رهایی از قیود است. امروزه بشریت از دین‌گریزان است و می‌خواهد قیودی که دین برای زندگی انسان‌ها بنا کرده و برایش محدودیتی ایجاد کرده است آن را بشکافد و هر گونه دلش می‌خواهد زندگی کند.

۲. التباس حق به باطل

یکی دیگر از آفت‌ها و آسیب‌های دین‌شناسی و دین‌داری التباس حق به باطل است که انسان را از دین‌داری و پذیرش دین ننگه می‌دارد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» حق را با باطل التباس نکنید و حق را کتمان نکنید درحالی که شما آگاه هستید. (بقره: ۴۲)

حق همان حقیقت ثابت و واقع است و به خودی خود از عقول مردم پوشیده نمی‌ماند ولی چون با باطل آمیخته شد می‌توان آن را کتمان و ذهن‌ها را از آن منحرف نمود.

۳. دنیا طلبی

یکی از علل دین‌گریزی و تکذیب پیامبران از نظر قرآن دنیا طلبی است. دنیا دوستی و ترجیح دنیا بر آخرت یکی از عوامل مهم دین‌گریزی است. قرآن کریم در آیات متعدد به این مسأله اشاره نموده است:

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ حَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» ای گروه جنیان و آدمیان! مگر پیغمبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند که آیه‌های ما را برای شما می‌خواندند و شما را به دیدار این روزتان بیم می‌دادند؟ گویند: علیه خویش گواهی می‌دهیم، زندگی دنیا فریشان داده بود و علیه خویش گواهی دهند که کافر بوده‌اند. (انعام: ۱۳۰)

ثروت طلبی و مال دوستی از جمله عوامل طغیان و روی گردانی از دین است. به شهادت قرآن، مترفین همواره یکی از بزرگ‌ترین دشمنان و مخالفان دین و پیامبران بوده‌اند. برخی از افراد گاه به دلیل برخورداری از قدرت اجتماعی و سیاسی و یا قدرت

اقتصادی و گاه به خاطر علم و موقعیت انحصاری دچار غرور می‌شوند و از تعالیم حق روی بر می‌گردانند. بسیاری هستند که نسبت به دین نه شبهه علمی دارند و نه شک و تردید در حق بودن آن بلکه تنها عامل سست دینی و دین ستیزی آنان دنیا دوستی آن هاست که مانع پذیرش دین حق می‌شود. لذا اکثر افرادی که از دین می‌گریزند همان طور که در قرآن کریم هم گفته شده، افراد هوا پرست و دنیا دوست هستند.

۴. جهل از حقایق دین

همان گونه که غرور علمی آفت دین و سبب گریزی است، جهل و بی‌خردی هم سبب روی گردانی از دین و تعالیم الهی است. باید توجه داشت که بسیاری از افراد مرتد و بد بین نسبت به معتقدات دینی به دلیل بدآموزی و عدم معرفی صحیح دین و تعلیمات دین و درست عرضه نکردن دین، از آن روی بر تافته‌اند.

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین علت‌های دین ستیزی و دین گریزی را جهل معرفی کرده است و می‌فرماید:

«أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ» آیا آن‌ها جز او خدایانی گرفته‌اند؟ بگو برهان خویش را بیاورید اینک این کتاب اصحاب من و این کتاب اسلاف من (نه هیچ برهانی ندارند) بلکه بیشترشان حقیقت را نمی‌دانند و خود اعراض گراند. (انبیاء: ۲۴)

امروزه نگاه بسیاری از افراد به دین نگاه عقلانی و واقع بینانه نیست. در نگرش بسیاری از جوانان، دین مانع خوش بختی، آزادی، لذت و نشاط تلقی می‌شود و این نگاه بی‌اساس و پنداری باعث شده است تا دین گرای و دین‌پذیری و تعمیق ارزش‌های دینی در جامعه جوان با چالش‌هایی رو به رو شود و جوان امروز بدون درک حقیقت دین و بدون داشتن فهمی محققانه و اندیشمندانه، با دیدن برخی ظواهر و شعارها و رفتارهای سطحی برخی دین‌داران، دچار سوء برداشت و بدفهمی شود. این مسأله نیازمند مطالعه همه جانبه و ریشه‌یابی علل دین گرای و دین گریزی است. امروزه شناخت نیازهای جوانان و نوع نگاه آن‌ها به دین یک ضرورت است. جوان تا در اعماق وجود خود از سر شوق و شیفتگی و عشق ورزی و شوریدگی، احساس نیاز به دین نداشته باشد دینداری او متزلزل و بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود.

اگر آدمی در یابد که دین وسیله رشد و کمال و شکوفایی و مظهر نور و رحمت و زیبایی و حریت و کرامت و راه یافتن امید و اطمینان و سعادت است بی‌درنگ به دین روی خواهد آورد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» کیست که از آیین ابراهیم روی بر تابد مگر کسی که نابخرد باشد. (بقره: ۱۳۰)

از نگاه قرآن چون دین توحیدی ابراهیم موجب سعادت دنیا و آخرت است پس کسی که از آن روی بر می‌گرداند انسان بی‌خردی است و سود و زیان حقیقی‌اش را نمی‌شناسد.

۵. پایبندی به سنت‌ها و اعتقادهای نامعقول

پایبندی به سنت‌های جاهلی و اعتقاد آبا و اجدادی و فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای و حزبی و طبقه‌ای و اجتماعی، انسان را از توجه به حقائق و کمالات واقعی باز می‌دارد و مانع پذیرش دین و عمل به دستورهای خدا می‌شود. قرآن کریم در آیات گوناگون یکی از مهم‌ترین عوامل تکذیب و عدم پذیرش دین خدا را سنت‌گرایی و پیروی از سنت گذشتگان معرفی می‌کند.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْا كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» و چون به ایشان گفته شود آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می‌گویند: نه، ما تنها آن را پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم آیا اگر پدران ایشان عقل نمی‌داشتند و هیچ چیز نمی‌فهمیدند و راه بجائی نمی‌بردند باز هم پیرویشان می‌کردند؟ (بقره: ۱۷۰)

و در جای دیگری می‌فرماید:

«فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ» پس درباره خدایانی که اینان می‌پرستند در تردید مباش که پرستش آن‌ها جز به طریقی که پدرانشان از پیش پرستش می‌کردند نمی‌باشد. (هود: ۱۰۹)

۶. وسوسه و القائات شیطان

قرآن کریم شیطان را عامل وسوسه و شک و تردید، فتنه افکنی و تفرقه‌آمیز، گمراه‌کننده و وعده‌های دروغین دهنده، گناهان را کوچک جلوه دهنده، مغرورکننده و غافل‌کننده انسان از یاد خدا معرفی می‌کند. در زمان حضرت سلیمان قومی به پرستش و سجده خورشید مشغول بودند، قرآن کریم علت این عمل را پیروی از القائات شیطان توصیف می‌کند و می‌فرماید:

«وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» او را و قوم او را یافتم که خدا را رها کرده و خورشید را سجده می‌کنند و شیطان این اعمال را برای آن‌ها زیبا و پسندیده جلوه داده بود و همین امر باعث شده بود تا آن‌ها را از راه یافتن و هدایت و شناخت خدا محروم کند. (نمل: ۲۴)

علاوه بر این که قرآن کریم در آیات متعددی، نسبت به وعده‌های فریبنده و نقش گمراه‌کننده شیطان هشدار و تنبه داده است امام علی (علیه السلام) هم درباره نقش شیطان در گمراهی انسان می‌فرماید:

شیطان بزرگترین مانع دینداری و زیانبارترین و خطرناک‌ترین چیزها برای زندگانی دنیوی شماست. ضرر شیطان برای شما از هر دشمن دیگر بیشتر است. (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲)

پس در قرآن کریم وسوسه و القائات شیطان بعنوان یکی از عوامل دین‌گریزی و دین‌ستیزی معرفی شده است.

۷. پیروی از هواهای نفسانی

یکی دیگر مهم‌ترین عامل از عوامل دین‌گریزی و سست‌ایمانی، هواپرستی و پیروی از میل‌های نفسانی و لذت‌طلبی است. قرآن کریم یکی از علت‌های اصلی گمراهی بشر را هواپرستی و پیروی از امیال نفسانی معرفی نموده است. برخی از آیات قرآن که به این مسأله می‌پردازند آن‌ها را مورد اشاره قرار داده بررسی می‌کنم. یکی از این آیه‌ها که اشاره در این موضوع دارد سوره قصص آیه ۵۰ است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

«فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» ای پیامبر بدان که اگر دعوت تو را اجابت نمی‌کنند به این دلیل است که آنان پیرو هواهای نفس خود هستند و چه کسی گمراه‌تر است از آن کسی که از هدایت الهی دور شده و پیروی هوای نفس خود گردیده است. به درستی که خداوند ظالمان را هدایت نمی‌کند. (قصص: ۵۰)

قرآن کریم می‌فرماید اگر مشرکان به توایمان نمی‌آورند و از حق پیروی نمی‌کنند به این دلیل است که تابع هواهای نفسانی خود هستند و کسانی که از هواهای نفسانی پیروی کنند گمراه‌ترین مردم هستند و ظالم به خویش و غیر قابل هدایت هستند. در جای دیگر خدای متعال در مذمت کسانی که هواهای نفسانی را پرستش می‌کنند و با علاقه به دنبال بر آورده ساختن تمنیات نفس خود هستند، چنین می‌فرماید:

«أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» آیا دیدی کسی را که هوای نفس را معبود خویش قرار داد، خدا او را با علم به این که شایسته هدایت نیست، گمراه ساخت و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده افکنده است. پس کیست که غیر از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکر نمی‌شوید؟ (جاثیه: ۲۳)

در این آیه به لوازم و عواقب هواپرستی اشاره نموده و آن را شدیداً مورد مذمت قرار داده و پیروی از هواهای نفسانی را موجب ضلالت و مهر زدن حق بر گوش و چشم و

قلب گمراهان شمرده است. هوا پرستی موجب قساوت و تیرگی قلب می‌شود و مانع تشخیص حق از باطل و مانع تجلی نورایمان در قلب و عمل به دستور الهی گردد. از این رو هوا پرستی هم دشمن دین است و هم دشمن عقل. زیرا که مانع شناخت حق و هم مانع عمل مطابق دستورات الهی است. هوا پرستی و دنیا دوستی جلوه‌های مختلفی دارد. گاهی ظهور آن در دل بستگی به خواسته‌های نفسانی است و گاه ظهور آن در قدرت پرستی و استکبار و گاه در مال اندوزی و پول پرستی و مانند آن‌ها است. هر یک از این‌ها وقتی محبوب و معبود انسان شد، موجب انحطاط انسان از مقام شامخ انسانی و فرو افتادن در دام گناهان و دوری از خدا و دین و فتأمین الهی می‌شوند. در حقیقت، انسان وقتی تابع هواهای نفسانی شد و این‌ها معبود و دل داده او شدند، دریچه‌های گوش و قلب او بر روی سخن حق بسته شده و چشم بصیرتش کور گشته و قابلیت هدایت را از دست خواهد داد. طبق این تعلیم و رهنمود قرآنی پیروی از هواهای نفسانی از عوامل مهم دین‌گریزی و دین‌ستیزی محسوب می‌شود.

در تفسیر نمونه درباره این موضوع چنین مطلب گفته شده است که اگر در احوال بی‌دینان و افراد لا ابالی نظر شود آشکار می‌شود که عامل دین‌گریزی بسیاری از آنان هوا پرستی است. شخصی که دائماً از هواهای نفس پیروی می‌کند و به تعبیر قرآن، هواهای نفسانی را معبود خویش قرار داده است و اصلی‌ترین خواسته و دغدغه‌اش در زندگی همین خواسته است، چنین فردی چگونه می‌تواند در راه خدا و در مسیر هدایت و تقوا حرکت کند؟ اصولاً دین‌داری با هوا پرستی سازگاری و سنخیتی ندارد، بلکه این دو ضد یکدیگرند. این کلام عتاب‌آمیز و سرزنش‌کننده خدا ست که می‌فرماید: آیا دیدی کسی را که معبود خود هوای نفس خویش قرار داده؟ و خداوند او را با آگاهی بر این که شایسته هدایت نیست، گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهرزده است. سرچشمه‌های تاریخی بت پرستی را دانستیم ولی بت پرستی از نظر روانی و فکری سرچشمه‌های دیگری دارد که در آیات قرآن به آن اشاره شده است و آن پیروی از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس است. اصولاً هوای نفس، خود بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین بت‌ها ست و سر چشمه پیدایش بت‌های دیگر و مایه گرمی بازار بت پرستی است. (ناصرمکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۰)

بنابراین از منظر قرآن کریم، بزرگ‌ترین عامل دین‌گریزی و دین‌ستیزی و انحراف از حق و تعصب و لجاجت، پیروی از هوای نفس است. قرآن کریم ریشه و علت اصلی اعراض مردم از دین و تکذیب پیامبران و تکذیب معجزات و دلائل قاطعانه پیامبران و هم چنین تکذیب رستا خیز و قیامت را پیروی از هوای نفس معرفی می‌کند.

در احادیث نیز به این مانع اساسی خدا پرستی و آثار شوم آن اشاره شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«و أطفأ نورَ عقله بشَهواتِ نَفْسِهِ ، فكأنَّما أَعانَ هَواهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ ، وَ مَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ دُنْيَاهُ» کسی که پرتو اندرز پذیرش را با خواهش‌ها و امیال نفسانی اش خاموش کند گویا هوس خود را بر ویرانی عقلش کمک داده و کسی که عقلش را ویران کند دین و دنیایش را تباه ساخته است. (شیخ یعقوب، کلینی، أصول کافی، جلد ۱، ص ۲۶۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره امتش را از هواپرستی بر حذر می‌داشت و می‌فرمود:

«إِيَّهَا النَّاسُ إِنِّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اِئْتَانِ] اِئْتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصِدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ» ای مردم! دو چیز است که بیش از هر چه از ابتلای شما بدان‌ها نگرانم؛ یکی پیروی از هوا و هوس و دیگری آرزوهای دور و دراز، تبعیت از هوا و هوس انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می‌سپارد. (شیخ حر عاملی وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۸۰ باب وجوب ایثار رضاء الله).

نتیجه

انسان هر چه ادعای دینداری کند اگر صفات و ویژگی‌هایی که بالا ذکر شده‌اند یعنی فرار از قیود و آزاد بودن از آن، التباس حق به باطل، دنیا طلبی، جهل از حقایق دین، پایبندی به سنت‌ها و اعتقادهای نامعقول، وسوسه و القانات شیطانی و پیروی از هواهای نفسانی در درون انسان وجود داشته باشد ادعایش پذیرفته نمی‌شود. چون طبق آیات قرآنی اینجا اثبات شده است که این همه، علت‌ها و عامل‌هایی هستند که باعث دین‌گریزی انسان می‌شوند.

منابع:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۴ چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، اسراء، چاپ اول، قم ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
- حسین‌زاده، محمد، فلسفه دین، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم ۱۳۷۹.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالعلمی بیروت، چاپ اول ۱۴۰۱ ه. ق.
- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، چاپ اول، تهران ۱۴۰۳ ه. ق.
- عزیززاده، بیوک، حیات تعقلی اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالاضواء، چاپ اول، بیروت ۱۹۸۵.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء، چاپ اول بیروت ۱۴۰۳ ه. ق.
- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۵، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، حق و باطل به ضمیمه احیاء تفکر اسلامی، ج ۱، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادی‌گری، صدرا، چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، تهران ۱۳۹۲.
- راقی، احمد، رساله دین شناخت، طرح نو، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸.
- نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، طرح نو، چاپ اول، تهران ۱۳۸۱.
- نکوئی سامانی، مهدی، آسیب‌شناسی دین و معرفت دینی، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، قم ۱۳۸۹.